

13 آبان، روز دانش آموز، روز مقابله سراسری با ارتجاع حاکم

نوجوانان و کودکان دانش آموز درشنبه خونین سال 1357 آخرین بخشی از مردم بپاخاسته علیه نظام سلطنتی بودند که به میدان نبرد با آن رژیم سفاک گام گذاشتند و از آن روز تا سرنگونی رژیم شاه سه ماه و اندی بیشتر طول نکشید. یاد جانباخته گان روز 13 آبان 1357 را گرامی بداریم.

رژیم سفاک جمهوری اسلامی از بدو تاسیس اش، از یک طرف می دانست که بدون جانفشانیهای کارگران و زحمت کشان و از جمله فرزندان دلیر دانش جو و دانش آموز آنان، سرنگونی رژیم شاه ممکن نبود و نمی توانست جلو بزرگداشت این روز تاریخی را بگیرد. اما ریاکاران حاکم پس از جلوس بر قدرت سعی کردند تا روزهای تاریخی را به نام خود ثبت کنند. از جمله مدعی شدند که " هرروز، روز کارگراست!" تانقش تاریخی اول ماه مه روز جهانی کارگر رانادیده بگیرند و یا برای پایمال کردن آرمانهای رهائی بخش 8 مارس، روز زن، به دنبال اسطورهها گشته و مزبوحانه تلاش کردند تا روز تولد فاطمه دختر پیامبر اسلام را به عنوان روز زن به زنان شدیداً ستم دیده ی ایران که از جمله قربانیان اولیه ی رژیم اسلامی بودند، تحمیل کنند. هم چنین برای ایجاد انحراف در مبارزات مردم، ماجراجوئی اشغال سفارت آمریکا در روز دانش آموز را توسط مشتی دانش جوی آنارشویست در 13 آبان 1358 جهت قبضه کردن قدرت و بیرون راندن بورژوازی ملی - اسلامی مزاحم از قدرت را سازمان دادند تا حکومت اسلامی خودشان را "یک دست بکنند!"، و این عمل تروریستی دولتی را "انقلاب دوم" نام نهادند تا فراموش شود که دانش آموزان در چنین روزی نه به خاطر استقرار جمهوری اسلامی، بلکه به خاطر رسیدن به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی علیه رژیم سلطنتی مبارزه کرده و جان باختند. امروز نیز که رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش در انظار عمومی منفور و مطرود شده است و درهراس از آمدن میلیونها دانش آموز به خیابان و گسترش بازهم بیشتر صرف اعتراضی اکثریت عظیم مردم جامعه یعنی کارگران و زحمت کشان، با ترفند "13 آبان روز مبارزه با امپریالیسم"، مذبوحانه تلاش می کنند تا از به هم پیوستن و فشرده شدن صف متحد استعمار شده گان و ستم دیده گان علیه نظام حاکم بر جامعه جلوگیری کنند.

این سالوس گری رژیم را رهبر جمهوری اسلامی بنیاد نهاد که به نرخ روز نان خوردن موضع گیری اصلی و بنیادی او بود. خمینی وقتی که در نجف بود و نیاز به عوام فریبی داشت، در 6 مهر 1356 گفت: "اگر دانش گاه ما یک دانش گاه صحیحی بود جوانهای ما را که در دانشگاه میخواهند حرف حقی بزنند، خفه نمیکردند. دانشگاهی که بر آن حکومت کنند دانشگاه نمیشود، محیط علم باید آزاد باشد." و یا در دیدار با گروهی از ایرانیان مقیم اروپا در نوفل لوشاتو در حومه پاریس در 20 مهر 1357 بیان داشت: "دانشگاه که مرکز علم و سازنده آینده ملت است، تعطیل است و نمیگذارند کارش را بکند. میریزند توی آن، زن و مردش را کتک میزنند و میکشند" و یا در مصاحبه با تلویزیون فرانسه در پاریس در 6 آبان گفت: "مدارس ما غالباً نیمه تعطیل هستند یا تعطیل. وقتی هم که اشتغال داشته باشند دستور این است که آزادی کلام و آزادی اظهار عقیده در آنها وجود نداشته باشد و رجال روشنفکر در آنها فعالیت نکنند".

اینها صحبتهای روزهای شیره مالیدن سر دیگران برای مترقی نشان دادن خودش بود و صاف کردن جاده برای رسیدن به قدرت! اما وقتی که به قدرت رسید ماهیت اصلی خمینی با طرح

"وحدت کلام" واضح تر شد و از آن به بعد هرچه آشکارتر به قلع و قمع مخالفان پرداخت و نشان داد که نظام جمهوری اسلامی نه به خاطر استقرار حق و عدالت و در خدمت "مستضعفان" بلکه برای خدمت به بقای نظام سرمایه داری و ارتجاع و "مستکبران" در شکل جدید تاریخی، بوجود آمده است. خمینی پس از هجوم اراندل و اوباشش به دانشگاه و کشتن دانشجویان و به تعطیل کشاندن آن، در دیدار با اعضای دفتر تحکیم گفت: "ریشه تمام مصیبت‌هایی که تاکنون برای بشر پیش آمده از دانشگاهها بوده است، از این تخصصهای دانشگاهی بوده است. تمام فسادهایی که در ملتها پیداشده از حوزه های علمیه ای بوده است که از نظر شرعی متعهد نبوده اند. همه مصیبت‌هایی که در دنیا پیداشده از متفکرین و متخصصین دانشگاهها بوده است. کشور ما را هم همین دانشگاهها به دامن ابرقدرتها کشاندند. حالا شما میشینید و مینویسید که چرا دانشگاه تعطیل است؟ اگر به اسلام علاقه دارید بدانید که خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه ای بالاتر است".

امسال نیز از ترس این که روز 13 آبان تبدیل به روز افشاء، تظاهرات و درگیری با نیروهای حاکمان جمهوری اسلامی تبدیل شود، نوکران ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی اش نظیر آیت الله جنّتی - امام جمعه موقت تهران، روح الله حسینیان - رئیس فراکسیون "انقلاب اسلامی" مجلس، سردار علی افضلی - فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران، اسماعیل احمدی مقدم - فرمانده نیروی انتظامی ایران - و غیره به میدان فرستاده شدند تا دانش آموزان و دانش جویان و مردم را از آمدن به خیابان تحت انواع اتهامات نظیر وابسته گی به خارج، تظاهرات بدون مجوز و غیره بر حذر دارند. گوئی حقوق بشر و از جمله آزادی بیان، تجمع، تظاهر و طبق اجازه و دستور حقایق می یابد و به تشخیص استبداد وابسته اند!!

اما همان طور که به تهدیدات خامنه ای در 29 خرداد و هم اکنون نیز به تهدید مجدد وی در رابطه با "قدغن بودن صحبت از تقلب انتخاباتی"، مردم مبارز ایران تره ای خوردن کرده اند، به این تهدیدات نیز وقعی نخواهند گذاشت. چراکه انسانهای جان به لب رسیده هراسی از تهدیدها ندارند و تجاوزات رژیم به حقوقشان را دیگر تحمل نمی کنند. به طور مشخص هم نه دانش گاه سکوت خواهد کرد و نه کشاندن پلیس به مدارس و کنترل دانش آموزان با دوربینهای مدار بسته!

نظام استبدادی اسلامی حاکم نه قابلیت جذب و گول زدن مردم نظیر آن چه که در آستانه ی انقلاب بهمین رخ داد، را دارد و نه قادر است با به راه انداختن جویهای خون و شکنجه و زندان و اعدام و محیط پلیسی در محل کار و محیط تحصیل، مردم را از حق طلبی بازدارد. جنگ طبقاتی هر روز بیشتر شکل آشکارتری به خود می گیرد و کارگران و زحمت کشان بیشتری برای کسب حقوق پایمال شده و کسب حق تعیین سرنوشت شان بپا می خیزند و مدافعان جمهوری اسلامی در کسوتهای گوناگون و حتا بورژوازی دراپوزیسیون لائیک به هول و ولا افتاده اند. شبخ انقلاب بر بالا سر آنان در حال گشت و گذار است.

در چنین اوضاع مساعدی است که متشکل شدن استشارشونده گان و ستم دیده گان در کلیه سطوح سیاسی، مطالباتی و اجتماعی زمینه را برای پایان دادن به حاکمیت نظام اسلامی سرمایه و هرگونه نظام دیگر استثماری مساعد می سازد و شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" هرچه پررنگ تر در برابر چالش گران ضد نظام قرار می گیرد.

یاد جانباخته گان دانش آموز 13 آبان 1357 را گرامی بداریم!
به پیشواز شرکت هرچه بیشتر دانش آموزان در مبارزه علیه رژیم حاکم برویم!
خواست آزادی و رهائی از ظلم و ستم از بین بردنی نیست!
پرچم رهائی محیط های آموزشی از سلطه ی جباران را به اهتزاز در آوریم!
پیوند دانش آموزان و دانش جویان را با کارگران و زحمت کشان مستحکم سازیم!

نبارزه علیه حاکمان ایران و امپریالیستها، دو دشمن اساسی مردم ایران را شدت بخشیم!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

حزب رنجبران ایران - 9 آبان 1388